



• ابرج بر خورده‌ار
تپه كنده‌ار وادپو

رقتار در مرحله‌ی برقراری و ایجاد ارتباط نامید. زبان که از دیباز به عنوان مؤثرترین و مهم‌ترین وسیله‌ی برقراری و ایجاد ارتباط شناخته شده است، تنها یکی از راه‌های بیان عقاید و افکار به شمار می‌رود. افرادی چون «بردویسل» (Birdwhistell) در مطالعات خود ارتباط غیر لغوی را مورد ملاحظه قرار داده و متوجه شده‌اند که افراد از راه حالات صورت، حرکت دست و بازوان و حتی آهنگ و تن صدا، افکار و عقاید خود را بیان می‌کنند و ارتباط را به صورتی که بخواهند برقرار می‌سازند. به طور کلی و به قول «برلو» (Berlo) هر چه را که مردم از آن درک معنی کنند می‌توان در ایجاد و برقراری ارتباط به کار برد و حدود ارتباط آنقدر وسیع و پرحده است که هیچ‌گاه نمی‌توان حد و مرز آن را به روشی معین ساخت. ارسطو در کتاب معروف خود به نام «تفاهلی بیان» می‌نویسد: «در هر ارتباطی، سه جزو مشخص و متمایز از یکدیگر را می‌توان بخوبی تشخیص داد: ۱. گوینده، ۲. گفتار، ۳. مخاطب. مقصود ارسطو این است که هر یک از این سه عامل برای برقراری ارتباط، جزو لازم و ضروری هستند. در سال ۱۹۲۷ دو دانشمند آمریکایی به نام‌های «شانون و ویبر» (Shannon & Weaver) مدلی مشابه، لیکن کامل‌تر از مدل ارسطو را عنوان کردند: ۱. منبع، ۲. فرستنده، ۳. علامت، ۴. گیرنده

شخصی نامیده‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد در کشورهای مغرب زمین، مردم به طور متوسط هفتاد درصد از ساعات فعالیت و بیداری خویش را در ارتباط لغوی با دیگران می‌گذرانند. این ارتباط لغوی شامل گوش کردن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن می‌شود. قبولا این حقیقت، نکته‌ی جالبی را روشن می‌سازد

**کار (ادپه بعد از متگ جهان‌ار
اول و پا آغاز صلح و آرا مش
ره‌وق پاخت، بزودی برنامه‌های
مزگی در کشورهای متعدد
ایجاد شد.**

**در سال ۱۹۷۰ ایستگاه
رادپویی مازگی به پیش
برنامه‌های سرگرم کننده و تفریحی
پرداخت و در سال ۱۹۶۷ رادپو به
عنوان یک وسیله‌ی اطلاعاتی بزرگ
در تمام اروپا پذیرفته شد.**

و آن اینکه هر یک از مردم مغرب زمین، به طور متوسط ۱۰ تا ۱۱ ساعت از وقت خویش را در ایجاد و برقراری ارتباط با دیگران می‌گذرانند و قسمت عمده‌ای از رفتار ایشان را می‌توان رفتار ارتباطی یا

ارتباط یا Communication (ریشه‌ی این لغت لاتین Communis است که می‌توان آن را به تفاهم و اشتراک فکر ترجمه کرد) را می‌توان عبارت از جریانی دانست که در آن دو یا چند نفر به تبادل افکار، نظرها، احساسات و حقایق می‌پردازند و از طریق ارسال پیام‌هایی که معنایش برای همه‌ی آنها یکسان است به انجام این امر می‌پردازند. در واقع زمانی که، با کسی یا کسانی ارتباط برقرار می‌کنیم، کار ما در حقیقت برقراری یک نوع اشتراک فکر و تفاهم اندیشه است. به عبارت دیگر، اطلاعات، عقاید و نظرهای خودمان را با یکدیگر در میان می‌گذاریم و امیدوار هستیم که اشتراک فکر و اندیشه بین ما صورت گیرد. طرفین ارتباط، مفاهیم خود را از طریق ایجاد ارتباط به یکدیگر انتقال می‌دهند و وحدت فکر و اندیشه و احساس ایجاد می‌کنند. ایجاد ارتباط برای افراد انسانی امری است حیاتی و اساسی چون تمام اجتماعات بشری اسم از ابتدایی و متدین، بر توانایی افراد در انتقال مقاصد، آرزوها، احساسات، معلومات و تجارب خویش به یکدیگر بنا و برقرار گشته‌اند. از طرفی، تنها به وسیله‌ی برقراری ارتباط، انسان می‌تواند درصدد رفع نیازمندی‌های طبیعی خویش برآید، به حیات خود ادامه دهد. می‌توانیم که معمولاً عدم استعداد در برقراری ارتباط را شکل خاصی از بیماری